

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هشتم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۴۰۴ (صص ۸۴-۱۰۶)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.247971](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.247971)

خوانش چندصدایی جین ایر اثر شارلوت برونته براساس منطق گفتگویی

میخیایل باختین

نیلی عفرای^۱، مریم مشهدی زاده^۲

چکیده

رمان «جین ایر» اثر شارلوت برونته از مهم‌ترین رمان‌های قرن نوزدهم است که علاوه بر روایت رشد فردی یک زن، عرصه‌ای برای حضور و تقابل گفتمان‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و جنسیتی به شمار می‌آید. این پژوهش با تکیه بر نظریه گفتگومندی و چندصدایی میخیایل باختین به بررسی ساختار گفتمانی این رمان می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق نشان دادن چگونگی حضور و تعامل صداهای مختلف در متن و نقش آن‌ها در شکل‌گیری معنای روایت است. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر مطالعات انجام‌شده درباره رمان جین ایر بر جنبه‌های فمینیستی، روان‌شناختی و اجتماعی آن متمرکز بوده و چگونگی تعامل و تقابل صداهای گوناگون در ساختار روایی اثر کمتر بررسی شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه منطق گفتگویی باختین در ساختار روایی و در تعامل میان شخصیت‌های رمان «جین ایر» نمود پیدا می‌کند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل متن ادبی براساس مفاهیم گفتگومندی، چندصدایی و هتروگلاسیا در نظریه باختین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه روایت اول‌شخص جین نوعی مرکزیت روایی ایجاد می‌کند، اما حضور شخصیت‌هایی با دیدگاه‌ها و گفتمان‌های متفاوت - مانند روچستر، هلن برنز و سنت جان - موجب شکل‌گیری فضایی گفتگویی در متن می‌شود که در آن صداهای مختلف اجتماعی و ایدئولوژیک با یکدیگر در تعامل و تقابل قرار می‌گیرند. در نتیجه، جین ایر را می‌توان متنی دانست که با وجود ساختار روایی نسبتاً متمرکز، ظرفیت‌های قابل توجهی برای خوانش چندصدایی براساس نظریه باختین دارد.

واژه‌های کلیدی: چندصدایی، جین ایر، شارلوت برونته، منطق گفتگویی، میخیایل باختین.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

St_n.afrazi@urmia.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

m.mashhadizadeh@urmia.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

۱. مقدمه

رمان به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی، همواره بستری برای بازنمایی تجربه‌های انسانی و تعامل گفتمان‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی بوده است. در میان آثار برجسته قرن نوزدهم، رمان «جین ایر» (۱۸۴۷) اثر شارلوت برنث (Charlotte Bronte) جایگاه ویژه‌ای دارد. این رمان علاوه بر روایت زندگی و رشد شخصیتی دختری یتیم که در جست‌وجوی استقلال، هویت و کرامت انسانی خود است، تصویری از ساختارهای اجتماعی، طبقاتی و جنسیتی جامعه ویکتوریایی نیز ارائه می‌دهد. به همین دلیل، جین ایر، همواره مورد توجه منتقدان ادبی قرار گرفته و از منظرهای مختلفی همچون فمینیستی، روان‌شناختی، اجتماعی، اخلاقی و همچنین تعدادی از نظریه‌های باختین مورد تحلیل قرار گرفته است.

در کنار این رویکردها، نظریه گفتگومندی میخائیل باختین امکان تازه‌ای برای بررسی ساختار گفتمانی آثار روایی فراهم می‌کند. باختین با طرح مفاهیمی چون گفتگومندی، چندصدایی، رمان را عرصه‌ای برای حضور هم‌زمان صداها و آگاهی‌های مختلف می‌داند. از دیدگاه او، معنا در متن ادبی نه به صورت یک‌جانبه و از سوی نویسنده، بلکه در فرایند تعامل و تقابل میان گفتمان‌های گوناگون شکل می‌گیرد. در چنین رویکردی، شخصیت‌ها تنها ابزار بیان اندیشه نویسنده نیستند، بلکه هر یک دارای صدایی مستقل هستند که در ارتباط با صداها و دیگر معنا پیدا می‌کند.

با توجه به این چارچوب نظری، رمان جین ایر را می‌توان متنی دانست که در آن گفتمان‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و جنسیتی در کنار یکدیگر حضور دارند و در قالب گفتگو و تقابل میان شخصیت‌ها بازنمایی می‌شوند. تعامل میان شخصیت‌هایی همچون جین ایر، روچستر، هلن برنز و سنت جان ریورز، نشان‌دهنده برخورد دیدگاه‌ها و نظام‌های ارزشی متفاوتی است که در بستر روایت با یکدیگر وارد گفتگو می‌شوند.

این تعامل گفتمانی سبب می‌شود که هویت و جهان‌بینی شخصیت اصلی در فرایندی پویا و گفتگویی شکل گیرد.

بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه گفتگومندی میخائیل باختین، ساختار چندصدایی رمان جین ایر را بررسی کند و نشان دهد که چگونه حضور صداهاى مختلف در متن، زمینه شکل‌گیری معنای چندلایه و پویای روایت را فراهم می‌آورد. این پژوهش همچنین تلاش می‌کند نشان دهد که رمان برونته، فراتر از یک روایت فردی، عرصه‌ای برای تعامل و تقابل گفتمان‌های مختلف اجتماعی و فکری است.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

رمان جین ایر اثر شارلوت برونته، به‌رغم روایت اول‌شخص و حضور پررنگ صدای شخصیت اصلی، عرصه رویارویی صداها، دیدگاه‌ها و گفتمان‌های متنوعی است که هر یک برداشت متفاوتی از مفاهیمی چون هویت، جنسیت، طبقه، دین، اخلاق، عشق و استقلال فردی ارائه می‌کنند. صدای جین در جریان روایت، پیوسته با صداهاى اقتدارگرای خانواده، مدرسه، کلیسا و جامعه مردسالار و طبقاتی انگلستان عصر ویکتوریا مواجه می‌شود. شخصیت‌هایی مانند راجستر، سنت‌جان، هلن برنز، خانم رید و برتا میسن نیز هریک نماینده نظام فکری و ارزشی متفاوتی‌اند که در تعامل یا تقابل با آگاهی جین قرار می‌گیرند. از این‌رو، روایت رمان را نمی‌توان صرفاً بازتاب صدایی واحد و مسلط دانست؛ بلکه معنای آن در رابطه متقابل میان صداها و مواضع گوناگون شکل می‌گیرد.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره جنبه‌های فمینیستی، طبقاتی و روان‌شناختی جین ایر، نحوه شکل‌گیری چندصدایی در این رمان براساس منطق گفتگویی میخائیل باختین کمتر به‌صورت مستقل و منسجم بررسی شده است. مسئله

اصلی این پژوهش آن است که آیا روایت اول شخص جین، دیگر صداهای حاضر در رمان را تابع دیدگاه خود می‌سازد یا شخصیت‌ها و گفتمان‌های مختلف می‌توانند استقلال نسبی خویش را حفظ کنند. بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی روابط میان صدای راوی و شخصیت‌ها، تقابل گفتمان‌های اجتماعی و حضور صداهای به‌حاشیه‌رانده‌شده، ظرفیت‌های چندصدایی رمان را آشکار کند و نشان دهد که چگونه معنای نهایی اثر از تعامل، کشمکش و هم‌نشینی صداهای مختلف پدید می‌آید. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- مؤلفه‌های چندصدایی در رمان جین ایر براساس منطق گفتگویی میخائیل باختین چگونه نمود یافته‌اند؟

۲- صداها و گفتمان‌های دینی، اخلاقی، جنسیتی و طبقاتی چگونه در رمان با یکدیگر تعامل و تقابل پیدا می‌کنند؟

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف این پژوهش، تحلیل چگونگی شکل‌گیری چندصدایی در رمان جین ایر براساس منطق گفتگویی میخائیل باختین و شناسایی تعامل و تقابل صداهای مختلف در آن است. همچنین، رابطه صدای راوی با آگاهی دیگر شخصیت‌ها و نقش گفتمان‌های دینی، جنسیتی، اخلاقی و طبقاتی در شکل‌گیری معنای اثر بررسی می‌شود.

ضرورت تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که با وجود مطالعات متعدد درباره جنبه‌های فمینیستی و اجتماعی این رمان، ساختار چندصدایی آن کمتر به‌طور مستقل تحلیل شده است. این پژوهش می‌تواند ابعاد تازه‌ای از ساختار روایی رمان، استقلال صدای شخصیت‌ها و نقش گفتگو در شکل‌گیری هویت جین را آشکار سازد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

مظهری، فرشته، (۱۴۰۵)، در مقاله «تحلیل گفتگومندی و چندصدایی در رمان طوبا و معنای شب بر اساس نظریه باختین»، به این نتیجه رسیده است که در این اثر، گفتگومندی دارای بسامد بالایی است و بیشتر گفتگوها منطقی، مناظره‌ای است. در زمینه چند صدایی، غیر از صدای راوی یا نویسنده، صدای دیگر شخصیت‌ها نیز به گوش می‌رسد و هیچ یک از صداها بر یک‌دیگر سلطه ندارند.

سلیمانی، عیسی، (۱۴۰۱)، در مقاله «گردابی چنین هایل، خوانش جین ریس از جین ایر»، با اشاره به خوانش ریس از جین ایر و جمع اطلاعات مورد نیاز که نویسنده تدارک‌شان ندیده، به چگونگی خلق گردابی چنین هایل و ارزش‌گذاری ریس از اتفاقات جین ایر پرداخته است.

شه کلاهی، فاطمه، (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی مفهوم چندصدایی و گفتگومندی میخائیل باختین در نگاره‌های رضا عباسی»، نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی چندصدایی و گفتگومندی در آثار رضا عباسی تضاد و دوگانگی است که در قالب حضور همزمان پیکره‌های عامه با پیکره‌های درباری و اشراف ظهور می‌کند.

الهی پناه، نوشین، (۱۳۹۷)، در پژوهش «بررسی چند صدایی و گفتگومندی در رمان اورلاندو اثر ویرجینیا وولف»، به بررسی نگاه تکثرگرای ویرجینیا وولف به شبکه درهم‌تنیده روابط در رمان اورلاندو می‌پردازد. رمان مذکور به طور عمده براساس روابط متقابل و گفتگومند میان تمام پدیده‌ها بنا شده است.

نوآوری این پژوهش در آن است که برخلاف مطالعات پیشین که به بازخوانی جین ایر در آثار دیگر یا بررسی چندصدایی در نگارگری و رمان‌های دیگر پرداخته‌اند، خود رمان جین ایر را براساس منطق گفتگویی باختین تحلیل می‌کند. این مقاله با تمرکز

بر تعامل و تقابل صداها، گفتمان‌ها و دیدگاه‌های شخصیت‌ها، چگونگی شکل‌گیری چندصدایی و تضعیف اقتدار تک‌صدای راوی را در ساختار روایی رمان آشکار می‌سازد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. گفتگومندی و چندصدایی در نظریه میخائیل باختین

نظریه ادبی میخائیل باختین یکی از تأثیرگذارترین رویکردها در نقد رمان قرن بیستم به شمار می‌رود. «باختین با تمرکز بر ماهیت اجتماعی زبان، رمان را ژانری می‌داند که در آن صداها، آگاهی‌ها و گفتمان‌های متکثر در تعامل با یکدیگر حضور دارند. از نظر او، زبان هرگز خنثی و یکدست نیست، بلکه همواره در بستری اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد و حامل ردپای صداها و دیگر است» (باختین، ۱۳۸۷: ۲۷). از این رو، فهم رمان مستلزم توجه به شبکه روابط میان صداها و مختلف در متن است. یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در اندیشه باختین «گفتگومندی» است. «گفتگومندی به این معناست که هر گفتار در نسبت با گفتارهای پیشین و هم‌زمان معنا می‌یابد و هیچ سخنی به‌طور مستقل و منزوی وجود ندارد. از نگاه باختین، هر واژه «نیمه از آن دیگری» است، زیرا پیش از ورود به متن، در بسترهای گفتمانی دیگر به کار رفته و بار معنایی خاصی یافته است» (همان: ۹۳). بنابراین، متن ادبی عرصه تقابل و تعامل صداهاست و معنا نه در تک‌گویی نویسنده، بلکه در فرایند دیالوگ میان آگاهی‌ها شکل می‌گیرد.

مفهوم دیگر در نظریه باختین «چندصدایی» است که او آن را به‌طور خاص در تحلیل رمان‌های داستانیفسکی مطرح می‌کند. در رمان چندصدایی، شخصیت‌ها صرفاً ابزار بیان دیدگاه نویسنده نیستند، بلکه هر یک دارای آگاهی مستقل و جهان‌بینی خاص خود هستند. «نویسنده در چنین متنی بر صداها سلطه مطلق ندارد، بلکه امکان هم‌زیستی و تقابل آزادانه دیدگاه‌های گوناگون را فراهم می‌کند. به تعبیر باختین، در

رمان چندصدایی آگاهی‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، نه در درون یک آگاهی واحد» (باختین، ۱۳۸۸: ۱۵).

در پیوند با این مفهوم، باختین اصطلاح «چندزبانگی اجتماعی» را نیز مطرح می‌کند. این مفهوم به حضور گونه‌های مختلف زبان و گفتمان‌های اجتماعی در رمان اشاره دارد؛ از زبان رسمی و ایدئولوژیک گرفته تا زبان عامیانه، طبقاتی یا فردی. به باور باختین، «رمان بیش از هر ژانر ادبی دیگر توانایی بازتاب این تکثر زبانی را دارد و از طریق آن، تنوع دیدگاه‌های اجتماعی را بازنمایی می‌کند» (باختین، ۱۳۸۷: ۳۴۵). براساس این چارچوب نظری، تحلیل یک رمان با رویکرد باختینی مستلزم شناسایی صداها، بررسی نحوه تعامل آن‌ها و تحلیل روابط قدرت و تقابل‌های گفتمانی در متن است. در چنین خوانشی، پرسش اصلی این است که آیا متن فضایی برای حضور آگاهی‌های مستقل فراهم می‌کند و آیا معنا در نتیجه گفتگوی میان این آگاهی‌ها شکل می‌گیرد یا خیر. بدین ترتیب، مفاهیم گفتگومندی و چندصدایی ابزار نظری مناسبی برای بررسی ساختار گفتمانی رمان جین ایر فراهم می‌آورند.

۲-۲. چندصدایی در ساختار روایی جین ایر

رمان جین ایر اثر شارلوت برونته از جمله آثاری است که اگرچه در قالب روایت اول‌شخص بیان می‌شود، اما در بطن خود مجموعه‌ای از صداها، گفتمان‌ها و آگاهی‌های متنوع را در بر می‌گیرد. در چارچوب نظری میخاییل باختین، رمان فضایی است که در آن دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و ایدئولوژیک در تعامل و تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در چنین ساختاری، شخصیت‌ها صرفاً ابزار بیان اندیشه نویسنده نیستند، بلکه هر یک دارای صدایی مستقل و جهان‌بینی خاص خود هستند. در رمان جین ایر نیز شخصیت‌های مختلف نماینده گفتمان‌های متفاوت جامعه ویکتوریایی‌اند و از خلال گفتگوها و تعاملات آن‌ها نوعی ساختار چندصدایی در متن

شکل می‌گیرد. در ادامه، با بررسی نمونه‌هایی از متن رمان، جلوه‌های این چندصدایی تحلیل می‌شود.

۲-۱-۲. تقابل جین و خانم رید در گیتسهد

در ابتدای داستان، جین کودکی یتیم است که در خانه عمه‌اش، خانم رید، زندگی می‌کند. خانم رید رفتار سرد و تحقیرآمیزی با او دارد و همواره جین را موجودی ناسپاس و مشکل‌آفرین معرفی می‌کند. در یکی از صحنه‌های مهم داستان، جین که سال‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته است، در برابر عمه‌اش می‌ایستد و احساس واقعی خود را بیان می‌کند.

«من دورو نیستم؛ اگر بودم می‌گفتم دوستان دارم، اما صادقانه اعلام می‌کنم که شما را دوست ندارم» (برونته، ۱۴۰۰: ۴).

این جمله زمانی بیان می‌شود که خانم رید تصمیم می‌گیرد جین را به مدرسه شبانه‌روزی بفرستد. پیش از رفتن، جین که سال‌ها سکوت کرده بود، برای نخستین بار احساسات واقعی خود را نسبت به عمه‌اش بیان می‌کند و از ظلمی که بر او رفته سخن می‌گوید.

این گفتار نشان‌دهنده ظهور صدای مستقل جین در برابر گفتمان اقتدار خانوادگی است. در جامعه ویکتوریایی انتظار می‌رفت کودکان مطیع بزرگ‌ترها باشند، اما جین با بیان صریح احساسات خود این نظم را به چالش می‌کشد. از منظر باختینی، این صحنه تقابل دو آگاهی متفاوت را نشان می‌دهد: آگاهی قدرت و آگاهی مقاومت. حضور این تقابل باعث می‌شود روایت از حالت تک‌صدایی خارج شود و فضایی گفتگومند شکل بگیرد.

۲-۲-۲. تجربه اتاق سرخ

پس از درگیری جین با پسرعمه‌اش جان رید، او به عنوان تنبیه در اتاق سرخ زندانی می‌شود. این اتاق، همان جایی است که عموی مرحومش در آن درگذشته است و فضایی ترسناک و سنگین دارد. جین در این اتاق دچار ترس و اضطراب شدید می‌شود.

«قلبم به شدت می‌تپید، سرم داغ شده بود و صدایی در گوش‌هایم می‌پیچید» (همان: ۱۶).

جین در اتاقی تاریک و بسته تنها مانده است و خاطره مرگ عمویش و بی‌عدالتی خانواده رید ذهن او را آشفته کرده است. این تجربه یکی از نخستین لحظات شکل‌گیری آگاهی درونی اوست.

در این صحنه، صدای درونی جین در برابر فضای سرکوب‌گر خانه شکل می‌گیرد. اتاق سرخ، نمادی از قدرت و کنترل اجتماعی است که تلاش می‌کند فردیت جین را محدود کند. اما واکنش عاطفی و ذهنی او نشان می‌دهد که آگاهی فردی‌اش در حال شکل‌گیری است. از منظر باختین، این لحظه نقطه آغاز شکل‌گیری صدای مستقل در متن محسوب می‌شود.

۲-۳. تحقیر جین توسط براکل‌هرست

پس از ورود جین به مدرسه لووود، آقای براکل‌هرست که مدیر مدرسه است، در حضور همه دانش‌آموزان او را تحقیر می‌کند. او جین را دروغگو معرفی می‌کند و دیگران را از نزدیک شدن به او منع می‌کند.

«این دختر دروغ‌گوست» (همان: ۲۱).

براکل‌هرست تحت تأثیر نامه خانم رید، جین را فردی دروغگو معرفی می‌کند. او جین را روی چهارپایه‌ای قرار می‌دهد تا همه دانش‌آموزان او را ببینند و از او دوری کنند.

در این صحنه، گفتمان اقتدار مذهبی و نهادی در برابر هویت فردی جین قرار می‌گیرد. براکل هرست نماینده نوعی اخلاق سختگیرانه و سرکوبگر است که تلاش می‌کند فردیت را نابود کند. اما روایت جین این قدرت را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که حقیقت پیچیده‌تر از ادعای براکل هرست است. از دیدگاه باختین، این تقابل میان صدای قدرت و صدای فردی نمونه‌ای از گفتگومندی در متن است.

۲-۲-۴. گفتگوی جین و هلن برنز دربارهٔ بخشش

در مدرسه لووود، جین با دختری به نام هلن برنز آشنا می‌شود. هلن شخصیتی آرام و صبور دارد و نگاه متفاوتی به زندگی و رنج دارد. او معتقد است که انسان باید با صبر و بخشایش با ظلم روبه‌رو شود.

«به نظر من زندگی آن قدر کوتاه است که بخواهیم آن را صرف پرورش کینه و دشمنی کنیم» (همان: ۲۴)

جین از رفتار ناعادلانه معلمان مدرسه ناراحت است و نمی‌تواند این بی‌عدالتی را تحمل کند. در این زمان، هلن با او دربارهٔ اهمیت بخشش و آرامش درونی صحبت می‌کند.

گفتگوی میان جین و هلن نمونه‌ای از تقابل دو دیدگاه اخلاقی است. جین نماینده عدالت‌خواهی و اعتراض است، در حالی که هلن نماینده بردباری و معنویت است. هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها در متن به طور کامل حذف نمی‌شود. از منظر باختینی، چنین گفتگویی فضایی چندصدایی ایجاد می‌کند که در آن دیدگاه‌های مختلف در تعامل با یکدیگر قرار دارند.

۲-۲-۵. نخستین گفتگوی جین و روچستر

پس از ورود جین به عمارت تورنفیلد، او با صاحب عمارت، ادوارد روچستر، آشنا می‌شود. این آشنایی با گفتگویی صریح و غیرمعمول آغاز می‌شود.

«شما مرا زیر نظر گرفته‌اید، خانم ایر» (همان: ۲۶).

روچستر متوجه می‌شود که جین با دقت به او نگاه می‌کند و از او سؤال می‌پرسد. برخلاف انتظار او، جین رفتاری خجالتی یا مطیع ندارد و با اعتمادبه‌نفس پاسخ می‌دهد.

این صحنه نشان می‌دهد که رابطه جین و روچستر بر پایه گفتگو شکل می‌گیرد، نه سلطه. جین با وجود جایگاه اجتماعی پایین‌تر، از بیان دیدگاه‌های خود هراس ندارد. از منظر باختین، چنین رابطه‌ای نمونه‌ای از حضور دو آگاهی مستقل در متن است. این تعامل باعث می‌شود روایت به سمت ساختاری گفتگویی حرکت کند.

۲-۲-۶. تأکید جین بر استقلال فردی

در یکی از مهم‌ترین صحنه‌های رمان، جین در پاسخ به احساسات روچستر بر استقلال انسانی خود تأکید می‌کند.

«آیا فکر می‌کنید من یک آدم‌آهنی هستم؟ ماشینی بدون احساس؟» (همان: ۳۱).

«من انسانی آزاد با اراده‌ای مستقل هستم» (همان: ۳۵).

روچستر قصد دارد جین را از خود دور کند و او را به ازدواج با فردی دیگر تشویق کند. در این لحظه، جین احساسات واقعی خود را بیان می‌کند و از برابری انسانی سخن می‌گوید.

این سخن یکی از مهم‌ترین بیانی‌های هویتی جین در رمان است. او خود را انسانی آزاد با احساسات و اراده مستقل معرفی می‌کند. این دیدگاه در تضاد با ساختار طبقاتی جامعه ویکتوریایی قرار دارد. از دیدگاه باختینی، این لحظه بیانگر حضور صدایی است که در برابر گفتمان قدرت اجتماعی مقاومت می‌کند.

۲-۷. افشای راز برتا میسون

در لحظه‌ای که قرار است جین و روچستر ازدواج کنند، راز بزرگی فاش می‌شود: روچستر همسری زنده دارد که در اتاقی در عمارت زندانی شده است. «برتا میسون دیوانه است» (همان: ۳۸).

وکیلی در مراسم ازدواج حاضر می‌شود و اعلام می‌کند که روچستر از پیش ازدواج کرده است. پس از این افشاگری، روچستر جین و دیگران را به اتاقی می‌برد که برتا میسون در آن نگهداری می‌شود.

حضور برتا روایت عاشقانه رمان را دچار بحران می‌کند. او صدایی سرکوب‌شده در متن است که نظم ظاهری داستان را به هم می‌زند. از منظر باختین، حتی سکوت یا فریادهای نامفهوم برتا نیز نوعی حضور گفتمانی محسوب می‌شود. این حضور نشان می‌دهد که روایت از تک‌صدایی فاصله دارد و در آن صداها سرکوب‌شده نیز وجود دارند.

۲-۸. پیشنهاد ازدواج سنت جان

در بخش پایانی داستان، سنت جان ریورز از جین می‌خواهد که با او ازدواج کند و به عنوان مبلغ مذهبی به هند برود.

«خدا و طبیعت تو را برای همسر یک مبلغ مذهبی بودن آفریده‌اند» (همان: ۴۰). سنت جان معتقد است که جین باید زندگی خود را وقف وظیفه مذهبی کند و عشق را امری ثانویه می‌داند.

در این صحنه، گفتمان وظیفه‌گرایی مذهبی در برابر گفتمان عشق و آزادی فردی قرار می‌گیرد. سنت جان نماینده نوعی عقلانیت سرد و وظیفه‌محور است. اما جین این دیدگاه را نمی‌پذیرد و به احساسات انسانی اهمیت می‌دهد. این تقابل نیز نمونه‌ای از گفتگومندی در ساختار روایت است.

۲-۲-۹. جین در برابر تحقیرهای جان رید

در آغاز رمان، جین در خانه گیتسهد همواره از سوی پسرعمه‌اش جان رید مورد آزار و تحقیر قرار می‌گیرد. جان رید که نماینده اقتدار طبقاتی و امتیاز اجتماعی است، جین را به دلیل وابستگی مالی و یتیم بودنش تحقیر می‌کند. در یکی از صحنه‌ها او کتابی را به سمت جین پرتاب می‌کند و به او حمله می‌کند.

«تو حق نداری کتاب‌های ما را برداری؛ تو یک وابسته هستی» (همان: ۴۲).

این جمله زمانی بیان می‌شود که جین در گوشه‌ای از اتاق مشغول خواندن کتاب است. جان رید وارد می‌شود و به او یادآوری می‌کند که چون یتیم است و از دارایی خانواده استفاده می‌کند، حق استفاده از کتاب‌ها را ندارد.

در این صحنه، گفتمان طبقاتی جامعه ویکتوریایی آشکار می‌شود. جان رید نماینده صدای قدرت و مالکیت است و جین را به عنوان فردی فرودست معرفی می‌کند. در مقابل، واکنش جین نشان می‌دهد که او این جایگاه تحقیرآمیز را نمی‌پذیرد. از منظر باختینی، این تقابل میان صدای قدرت طبقاتی و صدای اعتراض فردی نمونه‌ای از حضور چند گفتمان در متن است.

۲-۲-۱۰. دفاع خانم تمپل از جین

در مدرسه لووود، پس از آنکه براکل هرست جین را دروغگو معرفی می‌کند، مدیر مهربان مدرسه یعنی خانم تمپل تلاش می‌کند حقیقت ماجرا را بررسی کند. او جین را فرا می‌خواند و داستان زندگی او را با دقت گوش می‌دهد.

«خواهیم دید حقیقت چیست؛ باید شواهد را بررسی کنیم» (همان: ۴۲).

خانم تمپل پس از شنیدن سخنان براکل هرست تصمیم می‌گیرد شخصاً درباره گذشته جین تحقیق کند. او نامه‌ای به داروساز شهر گیتسهد می‌نویسد تا حقیقت ماجرا را روشن کند.

در این صحنه صدای عقلانیت و عدالت در برابر اقتدار خشک براکل‌هرست قرار می‌گیرد. خانم تمپل نماینده نوعی گفتمان انسانی و منطقی است که به جای قضاوت عجولانه به دنبال حقیقت است. این تضاد میان دو دیدگاه اخلاقی باعث ایجاد فضای گفتگویی در روایت می‌شود. از منظر باختینی، حضور چنین صداها بی مانع از تبدیل شدن روایت به یک گفتمان یک‌دست می‌شود.

۲-۲-۱۱. گفتگوی جین با روچستر دربارهٔ برابری انسانی

در یکی از صحنه‌های مهم تورنفیلد، جین و روچستر دربارهٔ تفاوت‌های اجتماعی و طبقاتی میان خود گفتگو می‌کنند. روچستر مردی ثروتمند و صاحب‌خانه است، در حالی که جین تنها یک معلم سرخانه محسوب می‌شود. با این حال، جین در گفتگوی خود بر برابری انسانی تأکید می‌کند.

«روح من با روح شما سخن می‌گوید؛ گویی هر دو از گور گذشته‌ایم و در برابر خدا ایستاده‌ایم، برابر - همان‌گونه که واقعاً برابر هستیم» (همان: ۴۵).

این سخن در صحنه‌ای بیان می‌شود که روچستر می‌کوشد احساسات جین را بیازماید و وانمود می‌کند که قصد ازدواج با زنی ثروتمند را دارد. جین که از این موضوع رنجیده است، در پاسخ بر برابری انسانی میان خود و او تأکید می‌کند.

در این لحظه، صدای جین به عنوان صدایی مستقل و آگاه در برابر ساختار طبقاتی جامعه ظاهر می‌شود. او نمی‌پذیرد که جایگاه اجتماعی پایین‌تر به معنای ارزش انسانی کمتر باشد. از منظر باختینی، این سخن نمونه‌ای از حضور گفتمانی است که در برابر گفتمان مسلط طبقاتی مقاومت می‌کند و فضای چندصدایی متن را تقویت می‌کند.

۲-۲-۱۲. گفتگوی جین با روچستر دربارهٔ زیبایی و برابری

رابطه جین و روچستر از همان ابتدا بر پایه نوعی کشاکش زبانی شکل می‌گیرد. روچستر گاه با لحنی آزمون‌گر و برتر با جین سخن می‌گوید، اما جین اجازه نمی‌دهد این رابطه به سلطه یک‌جانبه تبدیل شود.

«فکر می‌کنید من خوش‌قیافه‌ام؟» (همان: ۴۸).

در یکی از گفتگوهای اولیه در تورنفیلد، روچستر از جین می‌خواهد نظرش را صریح بگوید. جین نیز برخلاف انتظار رایج از یک governess، مؤدبانه اما صادقانه پاسخ می‌دهد و از چاپلوسی پرهیز می‌کند.

اهمیت این صحنه در خود پرسش نیست، بلکه در کیفیت گفتگو است. روچستر می‌کوشد جایگاه گفتگو را تعیین کند، اما جین با پاسخ صریح خود نشان می‌دهد که فقط شنونده منفعل نیست. این گفتگو نمونه‌ای روشن از رابطه‌ای است که در آن معنا نه از بالا به پایین، بلکه از برخورد دو آگاهی شکل می‌گیرد. در خوانش باختینی، این صحنه جلوه‌ای از استقلال صدای جین است؛ صدایی که حتی در نسبت با مرد، کارفرما و مالک عمارت نیز هضم نمی‌شود.

۲-۱۳. ماجرای آتش‌سوزی اتاق روچستر

یکی از صحنه‌های مهم رمان، زمانی است که جین در نیمه‌شب صدایی عجیب می‌شنود و متوجه می‌شود اتاق روچستر آتش گرفته است. او روچستر را بیدار می‌کند و جان‌ش را نجات می‌دهد.

«گمان کردم تمام اتاق از خنده تمسخرآمیز یک دیو پر شده است» (همان: ۵۶).

جین ابتدا صدایی مرموز می‌شنود و سپس متوجه می‌شود در اتاق روچستر آتش روشن شده است. او بدون درنگ دست به عمل می‌زند. بعدتر روشن می‌شود که عامل این حادثه برتا میسون بوده است.

این صحنه از حیث باختینی مهم است، زیرا صدای «غایب اما مؤثر» برتا در متن شنیده می‌شود. برتا هنوز به‌صورت کامل وارد گفتگوی اجتماعی روایت نشده، اما حضورش از طریق صدا، خنده و کنش‌های آشوب‌زا نظم ظاهری عمارت را مختل می‌کند. این خنده تمسخرآمیز را می‌توان همچون صدای سرکوب‌شده‌ای دید که از حاشیه متن، مرکز را برهم می‌زند. در منطق گفتگویی باختین، معنا فقط در کلام رسمی شکل نمی‌گیرد؛ گاه صداها، حاشیه‌ای، خاموش یا به‌حاشیه‌رانده‌شده نیز ساختار متن را دگرگون می‌کنند.

۲-۲-۱۴. جین در برابر وسوسه ماندن نزد روچستر پس از افشای حقیقت

پس از آنکه جین می‌فهمد روچستر همسری زنده دارد، روچستر می‌کوشد او را متقاعد کند که بدون ازدواج رسمی، همراهش بماند. این یکی از بحرانی‌ترین لحظات اخلاقی رمان است.

«قانون‌ها و اصول برای زمان‌هایی نیستند که وسوسه‌ای وجود ندارد» (همان: ۶۴). جین با وجود عشق عمیقی که به روچستر دارد، درمی‌یابد که ماندن در کنار او به معنای چشم‌پوشی از اصول اخلاقی و از دست دادن استقلال درونی‌اش خواهد بود. از همین رو تصمیم می‌گیرد تورنفیلد را ترک کند.

این سخن، صدای اخلاقی جین را در اوج استقلال نشان می‌دهد. اهمیت این صحنه در آن است که جین نه صرفاً در برابر روچستر، بلکه در برابر میل خود نیز موضع می‌گیرد. در اینجا چند صدا هم‌زمان حضور دارند: صدای عشق، صدای میل، صدای قانون، صدای وجدان و صدای اجتماع. متن هیچ‌یک را کاملاً حذف نمی‌کند؛ بلکه جین باید در میان این صداها، متعارض تصمیم بگیرد. این همان وضعیتی است که باختین آن را به‌مثابه میدان تعامل آگاهی‌ها می‌بیند. حقیقت نه از پیش آماده، بلکه در دل کشاکش این صداها پدیدار می‌شود.

۲-۲-۱۵. تنهایی و گرسنگی جین پس از ترک تورنفیلد

وقتی جین تورنفیلد را ترک می‌کند، پول و پناهی ندارد و در طبیعت سرگردان می‌شود. این بخش از رمان اگرچه ظاهراً گفتگویی بیرونی ندارد، اما سرشار از گفتگوی درونی است.

«فقط احساس می‌کردم بی‌خانمانم و در این جهان هیچ‌کس را ندارم» (همان: ۷۳). جین پس از فرار، در شرایطی سخت و تحقیرآمیز قرار می‌گیرد. او از خانه‌ای به خانه دیگر می‌رود و درخواست غذا و پناه می‌کند، اما اغلب با بی‌اعتمادی روبه‌رو می‌شود.

این بخش نشان می‌دهد که چندصدایی در رمان فقط در مکالمات مستقیم رخ نمی‌دهد، بلکه در کشمکش میان صداهای درونی نیز حضور دارد. صدای ناامیدی، صدای کرامت انسانی، صدای ترس و صدای امید در ذهن جین با یکدیگر درگیرند. افزون بر این، برخورد جامعه با زن بی‌پناه نیز یک گفتمان اجتماعی مهم را وارد روایت می‌کند: گفتمان طردشدگی. از منظر باختین، زبان رمان در اینجا حامل تجربه اجتماعی فرودستی و بی‌جایی است.

۲-۲-۱۶. دینا و مری؛ صدای زنانه‌ای متفاوت از الگوی رایج

پس از نجات یافتن جین، او با دینا و مری ریورز آشنا می‌شود. این دو زن، برخلاف بسیاری از زنان کلیشه‌ای رمان‌های قرن نوزدهم، دارای فکر، فرهنگ، استقلال نسبی و گفتگویی زنده هستند.

«آن دو از همه زنانی که تا آن زمان دیده بودم، باسوادتر و فرهیخته‌تر بودند» (همان: ۷۵).

جین در خانه ریورزها با فضایی تازه روبه‌رو می‌شود؛ فضایی که در آن زنان صرفاً موجوداتی منفعل نیستند، بلکه اهل مطالعه، اندیشه و گفتگو هستند.

دیانا و مری نوعی صدای زنانه تازه را وارد رمان می‌کنند؛ صدایی که نه مانند خانم رید سرکوب‌گر است، نه مانند بلانش اینگرام اسیر نمایش طبقاتی و نه همچون هلن برنز کاملاً زاهدانه. آنان نشان می‌دهند که زن می‌تواند در عرصه اندیشه و گفتگو حضوری فعال داشته باشد. در خوانش باختینی، این تنوع صداهاى زنانه یکی از عناصر مهم چندصدایی رمان است، زیرا «زن بودن» در متن به یک معنای ثابت تقلیل نمی‌یابد.

۲-۲-۱۷. ردّ درخواست سنت جان از سوی جین

در اوج فشار عاطفی و اخلاقی، سنت جان از جین می‌خواهد بدون عشق با او ازدواج کند و به هند برود. جین سرانجام این درخواست را رد می‌کند.

«من تصور تو از عشق را خوار می‌شمارم» (همان: ۷۷).

سنت جان عشق را امری غیرضروری و حتی مزاحم برای انجام مأموریت مذهبی خود می‌داند. او از جین همسری می‌خواهد که شریک کار باشد، نه شریک عاطفی. جین درمی‌یابد که پذیرش این ازدواج به معنای مرگ روحی اوست.

این جمله رویارویی دو تعریف از زندگی را فشرده می‌کند: یکی زندگی به‌مثابه وظیفه، دیگری زندگی به‌مثابه پیوندی انسانی و آزاد. سنت جان با زبانی آرام و مقدس سخن می‌گوید، اما در زیر این زبان، نوعی خشونت اراده نهفته است. جین در برابر این گفتمان می‌ایستد و از حق خود برای زیستن با تمامیت عاطفی و انسانی دفاع می‌کند. این صحنه از نمونه‌های برجسته چندصدایی ایدئولوژیک در رمان است؛ زیرا دو جهان‌بینی متفاوت بدون ادغام کامل در کنار هم قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱۸. شنیدن ندای روچستر

در بخش پایانی رمان، جین پیش از بازگشت به روچستر، گویی صدای او را از دور می‌شنود؛ صدایی که او را فرا می‌خواند.

«جین! جین! جین!» (همان: ۷۹).

در حالی که جین هنوز نزد سنت جان است و باید دربارهٔ آینده‌اش تصمیم بگیرد، ناگهان احساس می‌کند صدای روچستر را شنیده است. این تجربه او را به بازگشت و جستجوی روچستر سوق می‌دهد.

این صحنه را می‌توان هم واقع‌گرایانه و هم نمادین خواند. از منظر گفتگومندی، صدای روچستر در اینجا فقط صدای یک شخصیت نیست، بلکه ندای رابطه‌ای است که هنوز در ذهن و جان جین زنده است. معنای این صدا در پاسخ جین شکل می‌گیرد، نه در خود آن. به تعبیر باختینی، هر گفتار در انتظار پاسخ است و در افق دیگری معنا می‌یابد. اینجا نیز صدا و پاسخ، پیوندی فراتر از فاصله مکانی ایجاد می‌کنند.

۲-۱۹. پایان رمان و دگرگونی صدای روچستر

در پایان داستان، جین به نزد روچستر بازمی‌گردد. اما این بار وضعیت تغییر کرده است: روچستر بخشی از بینایی و توان جسمی خود را از دست داده و دیگر آن مرد مقتدر پیشین نیست.

«ای خواننده، من با او ازدواج کردم» (همان: ۸۱).

پس از آتش‌سوزی تورنفیلد و مرگ برتا، روچستر آسیب‌دیده و منزوی شده است. جین اکنون با استقلال مالی و بلوغ شخصیتی به زندگی او بازمی‌گردد و رابطه‌ای تازه میان آن دو شکل می‌گیرد.

این جمله مشهور فقط خبر ازدواج نیست، بلکه نشانه بازپس‌گیری کامل حق روایت است. جین نه موضوع انتخاب دیگری، بلکه فاعل گزینش است. همچنین رابطه او و روچستر در این مرحله متوازن‌تر شده است. اگر پیشتر شکاف‌های طبقاتی،

جنسیتی و اقتصادی میان آن دو وجود داشت، اکنون زمینه گفتگویی برابرتر فراهم شده است. در نتیجه، پایان رمان را نیز می‌توان نه تثبیت یک صدای مسلط، بلکه رسیدن به نوعی هم‌شنوی میان دو آگاهی دانست. این همان نقطه‌ای است که خوانش باختینی از «جین ایر» را تقویت می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی رمان «جین ایر» اثر شارلوت برونته براساس منطق گفتگویی میخائیل باختین نشان می‌دهد که این اثر، علی‌رغم آنکه در قالب روایت اول‌شخص بیان می‌شود، دارای ساختاری چندصدایی و گفتگومند است. در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر برسد که چون روایت از منظر جین ایر نقل می‌شود، متن دارای صدایی واحد و مسلط است؛ اما تحلیل دقیق گفتگوها، تقابل‌های گفتمانی و حضور دیدگاه‌های متفاوت در متن نشان می‌دهد که روایت در واقع عرصه‌ای برای تعامل آگاهی‌ها و گفتمان‌های مختلف است.

در طول رمان، شخصیت‌های گوناگون هر یک نماینده نوعی گفتمان اجتماعی، اخلاقی یا ایدئولوژیک هستند. خانم رید و جان رید نمایندگان گفتمان اقتدار خانوادگی و برتری طبقاتی‌اند؛ آقای براکل هرست نماد گفتمان اقتدار مذهبی و انضباط اجتماعی است؛ هلن برنز صدای معنویت، بردباری و ایمان مسیحی را بازنمایی می‌کند؛ روچستر بیانگر پیچیدگی‌های فردیت و قدرت مردانه در جامعه ویکتوریایی است و سنت جان ریورز نماینده نوعی اخلاق وظیفه‌گرایانه و عقلانیت دینی است. در مقابل، جین ایر به عنوان شخصیت اصلی، صدایی است که در تعامل و تقابل با این گفتمان‌ها شکل می‌گیرد و به تدریج هویت مستقل خود را تثبیت می‌کند.

از منظر نظریهٔ باختین، یکی از ویژگی‌های اساسی رمان چندصدایی حضور آگاهی‌های مستقل و برخورد دیدگاه‌های مختلف در متن است؛ به گونه‌ای که هیچ

صدایی به طور کامل بر دیگر صداها سلطه پیدا نمی‌کند. در «جین ایر» نیز معنای نهایی روایت نه از طریق یک گفتمان مسلط، بلکه از طریق تعامل و کشاکش میان صداها و اشکال مختلف شکل می‌گیرد. گفتگوهای جین با شخصیت‌هایی مانند هلن برنز، روچستر و سنت جان نمونه‌هایی روشن از این تعامل گفتمانی هستند. در این گفتگوها هر شخصیت از منظر فکری و اخلاقی خاص خود سخن می‌گوید و متن به جای حذف یا خاموش کردن این دیدگاه‌ها، آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

علاوه بر این، رمان جین ایر از منظر باختینی واجد نوعی چندگانگی زبانی نیز هست. در متن، زبان‌های اجتماعی مختلفی حضور دارند: زبان اقتدار مذهبی براکل‌هرست، زبان اشرافی و نمایشی بلانش اینگرام، زبان اخلاقی و زاهدانه سنت جان، و زبان صمیمی و صریح جین. این تنوع زبانی نشان می‌دهد که رمان نه تنها عرصه برخورد دیدگاه‌ها، بلکه میدان حضور زبان‌های اجتماعی گوناگون نیز هست. همین تنوع زبانی به شکل‌گیری فضایی گفتگومند در متن کمک می‌کند.

از سوی دیگر، مسیر رشد شخصیت جین ایر نیز در بستر همین گفتگومندی شکل می‌گیرد. جین در طول روایت با موقعیت‌ها و صداها و اشکال مختلف مواجه می‌شود و در تعامل با آن‌ها هویت فردی و اخلاقی خود را می‌سازد. از مقاومت در برابر سلطه خانم رید در دوران کودکی گرفته تا رد پیشنهاد سنت جان در پایان داستان، جین همواره در حال مذاکره با ارزش‌ها، هنجارها و گفتمان‌های پیرامون خود است. این فرایند نشان می‌دهد که هویت او محصول یک گفتگوی مستمر میان فرد و جامعه است.

همچنین بررسی نقش شخصیت‌هایی چون برتا میسون نشان می‌دهد که حتی صداها و اشکال به حاشیه‌رانده‌شده نیز در ساختار روایی رمان حضور دارند. برتا به عنوان شخصیتی که در حاشیه متن قرار گرفته است، با کنش‌ها و حضور نمادین خود نظم ظاهری روایت را مختل می‌کند و لایه‌ای دیگر از معنا را به داستان می‌افزاید. از این

منظر، حضور او را می‌توان نشانه‌ای از گفتمان‌های سرکوب‌شده در جامعه ویکتوریایی دانست.

در نهایت می‌توان گفت که رمان جین ایر، نمونه‌ای قابل توجه از متنی است که در آن تعامل میان صداهاى مختلف، شکل‌گیری معنا را ممکن می‌سازد. اگرچه روایت از زبان جین بیان می‌شود، اما این روایت به گونه‌ای ساختار یافته است که دیدگاه‌های متفاوت در آن مجال حضور و بیان می‌یابند. به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که «جین ایر» با وجود ساختار ظاهراً تک‌روایی خود، در سطح عمیق‌تر واجد ویژگی‌های چندصدایی و گفتگومندی است که با نظریهٔ باختین قابل تبیین است.

در مجموع، خوانش باختینی این رمان نشان می‌دهد که جین ایر، تنها داستانی دربارهٔ رشد فردی یک زن نیست، بلکه متنی است که در آن گفتمان‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی با یکدیگر وارد تعامل می‌شوند. این تعامل چندصدایی نه تنها به غنای معنایی اثر می‌افزاید، بلکه امکان درک عمیق‌تر از ساختار روایی و جهان‌بینی نهفته در رمان را نیز فراهم می‌کند.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- (۱) باختین، میخاییل (۱۳۸۷). *تخیل گفتگویی*، ترجمه محمد رضا جعفری، تهران: مرکز.
- (۲) (۱۳۸۸). *مسائل بوطیقای داستایفسکی*، ترجمه پرویز شهدی، تهران: نیلوفر.
- (۳) برونته، شارلوت (۱۴۰۰)، *جین ایر*. ترجمه رضا رضایی. تهران: نی.

ب: مقاله‌ها

- (۱) الهی پناه، نوشین (۱۳۹۷)، «بررسی چند صدایی و گفتگومندی در *رمان اورلاندو اثر ویرجینیا وولف*»، پنجمین همایش متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به سبک شناسی، بلاغت، نقد ادبی، تهران.
- (۲) سلیمانی، عیسی، باقری، مصطفی (۱۴۰۱)، «گردابی چنین هایل، خوانش *جین ریس از جین ایر*»، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۷، شماره ۱، صص ۳۷۸-۴۰۴.
- (۳) شه کلاهی، فاطمه، فهمی‌فر، اصغر (۱۴۰۰)، «بررسی مفهوم چندصدایی و گفتگومندی میخائیل باختین در نگاره‌های رضا عباسی»، فصل‌نامه علمی نگره، دوره ۱۶ شماره ۵۹، صص ۷۵-۸۹.
- (۴) مظهری، فرشته، شهدائی، سید کیهان، سحابی، جلیل (۱۴۰۵)، «تحلیل *گفت‌وگومندی و چندصدایی در رمان طوبا و معنای شب بر اساس نظریه باختین*»، پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۲۸۷-۳۱۱.